

عنوان مقاله:

خیر و شر از دیدگاه مولوی در مثنوی معنوی

محل انتشار:

فصلنامه پژوهشهای فلسفی کلامی، دوره 16، شماره 4 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

اصغر آقائی - دانشجوی دکتری فلسفه و کلام دانشگاه زنجان

عباس ایزدپناه - استادیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه قم

خلاصه مقاله:

مسئله شرور یکی از بارزترین موضوعاتی است که بسیاری از منکران خداوند آن را چالشی جدی در برابر خدایان می دانند و مدعی هستند در برابر این پرسش که با وجود خدای مهربان و قادر مطلق، چرا چنین شروری وجود دارد یا باید داشته باشد؟ نمی توان پاسخ شایسته ای نهاد و این دلیل محکمی بر ضعف مدعای خدایان مبنی بر رحمت و قدرت مطلق خدا می باشد و نتیجه آن نفی وجود خداوند است. این مقاله پس از اشاره ای کوتاه به پاسخهای داده شده به این مسئله، روشن می سازد در کنار عدمی انگاشتن شرور، عده ای با ذکر فوایدی چون تعالی بخشی روح انسان و پیشرفت جامعه بشری؛ سعی دارند تا نظریه مشهور پیرامون مسئله شرور یعنی نظریه نسبیت را روشنتر نمایند. مولوی با بیانهای مختلفی به اثبات نسبیت شرور پرداخته است و آن را لازمه حیات دنیوی بشر میدانند. بدون شرور نه تنها بسیاری از امور در پرده ابهام باقی میماند، بلکه بسیاری از فضائل و هنرهای بشری نیز بروزی نمی یافت. از سویی دیگر او معتقد است به هیچ عنوان نمیتوان شری مطلق در جهان یافت و معتقد است میان خود شرور نیز نسبیت برقرار است.

کلمات کلیدی:

مولوی، مثنوی معنوی، خیر و شر، مسئله شرور، نسبیت شرور

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1482645>

